



طرح تدوین اصطلاحات و تعبيرات حقوقی

بر اساس قوانین و مقررات و دیگر اسناد حقوقی صدساله اخیر
و گزارش کوتاهی از زبان حقوقی این دوره*

حسن حبیبی

۱ طرح مسئله

الفاظ و صیغ حقوقی وسایل و ابزار مفاهیم و قواعد حقوقی اند. این الفاظ و صیغ از دیرباز در رساله‌های فقهی و قوانین و مقررات و نظامات مصوب قوای مقننه و مجریه و همچنین تصمیمهای قضایی و اسناد مبتنی بر قرارداد فراوان دیده می‌شوند و به گزارش معانی معین و ریشه‌دار حقوقی می‌پردازند.

نظر به اینکه قلمرو این‌گونه مباحث جولانگاه یقین و اطمینان نسبت به مسائل و بزنگاه دقت در قواعد و ضوابط است، ناگزیر زبان آنها، یعنی زبان علم و فن حقوق، باید امنیت قضایی را تضمین و آسودگی خیال کارشناسان حقوقی را تأمین کند. بنابراین، در فن حقوق نمی‌توان واژه‌ها را نادیده انگاشت؛ بر آنها باید به دیده تحقیق نگریست و معلوم ساخت که، در مقام بیان تفکر حقوقی، آیا فقط از الفاظ و کلمات زبانی که مشترک میان همه مردم است به شیوه‌ای خاص

* این طرح را، که به همت آقای دکتر حسن حبیبی، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهیه شده، به لحاظ اهمیت و ربط مستقیم آن با مباحث زبان فارسی، در این شماره مجله درج کردیم و امیدواریم مورد توجه حقوق‌دانان و قانون‌گذاران قرار گیرد.

استفاده می‌شود و یا، علاوه بر آن، عناصری که بیرون از قلمرو زبان مشترک‌اند به کار می‌آیند.

هنگامی که زبان معیار عامه با نیازمندیها و جنبه‌های اجرائی حقوق و هدفها و غایتهای آن سروکار پیدا می‌کند و به گزارش مفاهیم و بیان قواعد حقوقی می‌پردازد، زبانی تخصصی پدید می‌آید. بی‌شک، دسترسی به این زبان برای اشخاص ناوارد اندکی دشوار می‌نماید. اما این دشواری نباید موجب بی‌اعتنایی به این زبان و احیاناً طرد آن گردد. با پذیرفتن این مطلب که حقوق، همانند علوم دیگر، اصول و قواعد و روش معین و مفاهیم و تأسیسهای مخصوص دارد، نیاز به داشتن زبان خاص را هم می‌پذیریم. در این زبان، اصطلاحات سهم و اثر اساسی دارند.

مقصود از اصطلاحات یا مصطلحات نیز مجموعه کلمات فنی متعلق به یک علم یا فن یا هنر است. داشتن اصطلاح‌نامه دقیق برای قانون‌گذار و حقوق‌دان و قاضی و وکیل دادگستری و مشاور و مترجم آثار حقوقی و متصدی دفتر اسناد رسمی ضرورت دارد. لازمه فهم و دریافت معنای متون و پیش‌بینی راه‌حل یک مسئله حقوقی آن است که الفاظ و کلمات متناظر با مفاهیمی باشند که محتوایی دقیق و مشخص دارند. در این حالت، به هنگام تعریف مفهوم، معنای کلمه یا دلالت واژه بیان و گزارش می‌شود. بدین ترتیب، همان‌گونه که برچسب یا علامت جبری و فیزیکی و شیمیایی موضوع خود را تعیین و بیان می‌کند، اصطلاح حقوقی نیز مفهومیهای مربوط به خود را مشخص می‌سازد.

در معنی‌شناسی حقوقی، باید این فرض را پذیرفت که هریک از الفاظ و کلمات بیانگر یک فکر معین است. در نتیجه، کلمه‌ای که از زبان عامه به عاریت گرفته می‌شود، پس از نقد و بررسی، یا به معنای ویژه حقوقی می‌رسد و، بنابراین، در مقام و موقع جدید جای می‌گیرد و یا، چون نمی‌تواند مقصود را برساند، جای خود را به اصطلاح فنی مخصوص آن معنی می‌سپارد و خود، به این عنوان، از قلمرو زبان حقوقی بیرون می‌رود. هر اندازه تحلیل و تبیین یک مفهوم حقوقی کامل‌تر و دقیق‌تر باشد تعریفش به کمال نزدیک‌تر می‌شود و سبب می‌گردد که اصطلاحات حقوقی بیشتر با مفاهیم متناظرشان منطبق شوند و هر

اصطلاح تنها بیان‌کننده یک مفهوم باشد. در حال حاضر، نیاز به این انطباق بیش از گذشته است؛ زیرا گستردگی داده‌ورزی یا انفورماتیک حقوق‌دانان را ناگزیر می‌سازد که در تدوین چکیده‌ها و کلیدواژه‌ها، که پایه و مایه گنج‌واژه‌اند، سخت‌گیری و دقت کنند. بدین‌سان، واژگان حقوقی، برای ادای وظایف ویژه خود، باید خصوصیات قاعده حقوقی را گزارش کند و به ابلاغ و القای این قاعده بپردازد.

نظر به اینکه بیان حقوقی کیفیت خاصی دارد، جمله‌سازی و عبارت‌پردازی حقوقی نیز متناسب با آن اهمیت می‌یابد. در حقوق، جمله‌ها و عبارتها باید در اشکال و فرمولهای کامل و پرمایه‌ای بیان شوند که جامع و مانع باشند و اوامر صریح قواعد حقوقی را آشکار سازند. پس بیان باید به گونه‌ای باشد که بتواند دستورهای حقوقی را در جمله‌هایی، با طراحی دقیق، گردآوری کند. توفیق در این امر گزارشگر قوت سبک تحریر تدوین‌کنندگان خواهد بود. سبک قانونی مدنی ایران نمونه‌ای است برای روشن ساختن الزامات و مقتضیاتی که زبان حقوقی باید به آنها توجه کند. متون جدید و رویه قضائی معاصر، با بیان ارتجالی خود و پاسخ‌گویی شتاب‌آلود به ضرورت‌هایی که تشخیص آنها نیز ناشی از عجله مفرط است، این الزامات و مقتضیات را نادیده می‌گیرند و با ابهام و اشکال روبه‌رو می‌شوند و ناگزیر کارشان به اصلاح و تکمیل مکرر قانون و مقرر و یا درخواست تفسیر (باز هم با شتاب) می‌انجامد.

باید همواره به این نکته توجه داشت که تعبیرهای فنی را نمی‌توان بدون لطمه‌زدن به معانی و مفاهیم فارسی معمول و جاری گزارش کرد. تخصصی بودن زبان حقوقی ناشی از فنی بودن اجتناب‌ناپذیر مباحث آن است. زبان حقوقی موظف است مفاهیمی را معین و بیان کند که دریافت و درک و بیان آنها جزو وظایف زبان عامه مردم نیست. کلمات و واژه‌هایی که قواعد فقه و بخش عمده‌ای از ضوابط حقوقی با آنها بیان و گزارش شده‌اند جانشین‌ناپذیرند و بی‌پاری آنها و در نبود آنها نمی‌توان معانی حقوقی را این‌چنین خلاصه و دقیق و روشن و متکی

به مباحث کهن حقوقی و فقهی گزارش کرد. در عین حال، می‌توان استفاده از زبان ویژه حقوق را به متونی محدود ساخت که از لحاظ حقوقی دارای سندیتی خاص‌اند (مانند اسناد حقوقی، تصمیمات و اسناد دادگاهها، احکام و اجازدهای رسمی، قوانین و بخشی از تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها) و یا متونی که به روابط فنی موجود میان صاحبان مشاغل حقوقی مربوط‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، برای تدوین اصطلاحات و تعبیرات حقوقی بر اساس قوانین و مقررات و دیگر اسناد حقوقی صدساله اخیر و نیز گزارشی از زبان حقوقی این دوره با بهره‌گیری از مجموعه قوانین و مقررات، طرح حاضر پیشنهاد می‌شود.

۲ هدف

۲-۱ هدف از اجرای طرح بررسی و پاسخ به چند مطلب از جمله پاسخ به دو پرسشی است که در طرح مسئله عنوان شد:

۲-۱-۱ نخست اینکه، با بررسی مجموعه قوانین و مقررات مدون صد سال اخیر، می‌خواهیم بدانیم که چه اصطلاحات و تعبیراتی در متون حقوقی به کار رفته‌اند. بخشی از این اصطلاحات ریشه تاریخی دارند و برخی دیگر، در گردش ایام و به تدریج یا ناگهان، در نتیجه حضور یک مفهوم تازه ساخته شده‌اند. قسمتی از این اصطلاحات متعلق به زبان عمومی‌اند و قسمتی دیگر نیز صرفاً جزو مصطلحات مدون حقوق‌دانان‌اند و برای پاسخ‌گویی به مفهومی صددرصد حقوقی ساخته یا برگزیده شده‌اند.

۲-۱-۲ نکته یا پرسش دومی که پاسخ می‌طلبد ساخت زبان حقوقی است که بخش عمده آن را نیز اصطلاحات و تعبیرات تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن، مسائل دیگری چون چگونگی جمله‌بندی و شیوه بیان، استفاده از افعال، دخل و تصرف در معانی زبان عامه مردم و جعل معنای حقوقی برای الفاظ عمومی و نظایر اینها باید مورد بحث و بررسی قرار گیرند.

در هر دو مورد - که به هم نیز مرتبط‌اند - رجوع به منابع و مدارک اصلی، که همان متون قانونی و مقرراتی‌اند، اساس کار تحقیق را تشکیل می‌دهد.

۲-۲ پس از تدوین فهرست اصطلاحات و تعبیرات و نیز شرح ساخت زبان حقوقی این دوره، به دو پرسش عمده دیگر نیز پاسخ داده می‌شود بدین شرح:
۲-۲-۱ این مصطلحات تا چه اندازه برای بیان مفاهیم حقوقی مورد نظر از شفافیت برخوردارند؟

۲-۲-۲ زبان حقوقی ساخته یا مورد استفاده حقوق‌دانان تا چه حد وظایفی را که به عهده یک زبان فنی است به انجام رسانده است و اگر اشکالی در کار است علت آن چیست؟

۲-۳ سرانجام، پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان اصول و قواعدی را برای زبان حقوقی پیشنهاد کرد که، در عین حفظ مشخصات زبان فنی، به فهم عامه مردم هم نزدیک باشد و آیا می‌توان قواعد و ضوابطی را برای ساختن اصطلاحات و تعبیرات جدید تدوین کرد و چگونه؟

۳ گستره زمانی تحقیق

محدوده زمانی تحقیق از ابتدای مشروطیت (۱۳۲۴ق) تا زمان حاضر یعنی صد سال اخیر خواهد بود. این محدوده دارای جنبه‌ای مشخص و فنی است از آن جهت که

۳-۱ قانون‌گذاری منسجم و نظام‌مند ایران از ابتدای این دوره صدساله، یعنی دوره مشروطیت، سامان یافته است. بی‌تردید احکام و مقررات عرفی (حتی مدوّن) پیش از این دوره هم، به‌ویژه در دوره قاجار، وجود داشته است. همچنین مقررات مدوّنی هم از دوره صفویه و مغول در دست است. لکن، پیش از استقرار مجلس در ایران، روش خاصی برای تدوین و تصویب مقررات قانونی وجود نداشته است و در نتیجه، بر اساس احکام آنها، مقررات دیگری هم که عنوان آیین‌نامه و تصویب‌نامه داشته باشد تدوین نمی‌شده است.

۳-۲ اصطلاحات و تعبیرات حقوقی قبل از این دوره به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۳-۲-۱ اصطلاحات و تعبیرات حقوقی برگرفته از فقه و متون فقهی که همگی، با نظم و ترتیب خاص خود، بیش‌و‌کم به تفصیل تعریف و تحریر شده‌اند و برخی از آن

اصطلاحات همچنان در قانون‌گذاری امروز کاربرد دارد. قسمتی از این اصطلاحات، حتی پیش از پیروزی انقلاب، در قوانین مدنی حضور داشته و قسمتی دیگر در قوانین جزائی به کار رفته‌اند. بخش مهم‌تری از آنها هم در قوانین پس از انقلاب ظهور و بروز یافته‌اند.

۳-۲-۲ برخی دیگر از اصطلاحات و تعبيرات خاص مباحث فقهی صرف‌اند و به مجموعه مورد نظر ما ربط ندارند.

۳-۳ اصطلاحات و تعبيرات حقوق عرفی نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۳-۳-۱ بخشی از آنها در مجموعه متون کنونی موجود است.

۳-۳-۲ بخش دیگر نیز فراموش شده است.

قسمتی از دسته دوم، که مربوط به اصطلاحات و تعبيرات اداری است، در قوانین ابتدای دوره مشروطیت همچنان به کار رفته‌اند و بعضی از آنها هنوز هم به کار می‌روند.

۳-۴ هرچند که اصطلاحات و تعبيرات مهجور و یا از گردونه زبان خارج شده از جهت تاریخی و نیز اصطلاحات و تعبيرات صرف فقهی، که در حوزه خود همچنان از قوت و قدرت برخوردارند، از لحاظ علمی و عملی اهمیت دارند، اما در بحث مربوط به اصطلاحات و تعبيرات حقوق معمولاً به کاربرد ندارند و، نظر به اینکه هدف طرح بازشناسی اصطلاحات و تعبيرات معمولاً به کنونی و نیز شناختن ساختار زبان حقوقی فعلی است، شایسته است که این دو مجموعه اصطلاحات را از یکدیگر جدا کنیم تا سریع‌تر و، در عین حال، بدون تخلیط دو مبحث بتوانیم به نتیجه برسیم. روشن است که هم اصطلاحات فقهی مورد استعمال در حقوق کنونی و هم اصطلاحات زبان حقوقی عرفی، که همچنان در حقوق جاری کاربرد دارند، با همه مشخصات خود، در بررسی جای دارند. بقیه اصطلاحات، هنگامی که بنا شود طرح لغت‌نامه جامع حقوقی در انداخته شود، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. البته برخی از اصطلاحات کنونی که دارای ریشه تاریخی با معنای دیگری هستند، از این جهت، به طور فرعی یا به عنوان توضیح، در تعریفها خواهند آمد.

۴ مجموعه متون

در هر دو بخش بررسی، هم در بخش فهرست کردن اصطلاحات و تعبیرات و یافتن تعریف آنها و هم در بیان ویژگیهای زبان حقوقی، مرجع ماقوانین و مقررات (تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها) و دیگر اسناد و مدارک خواهد بود. اما به نظر می‌رسد که اگر بنا را بر بررسی فراگیر همه متون بگذاریم، اولاً زمان زیادی را باید به بررسی اختصاص دهیم، که شاید عملی نباشد، ثانیاً قسمت قابل توجهی از این متون، غیر از قوانین، جنبه قالبی و تکراری دارند، بنابراین، صرف وقت برای آنها فایده چندانی در بر نخواهد داشت. دسترسی به تمامی اسناد و مدارک دیگر غیر از قوانین و تصویب‌نامه‌ها - که آنها نیز گه‌گاه تکراری‌اند - عملی نیست. با توجه به این نکات و با توجه به اینکه قسمت اعظم نزدیک به تمامی اصطلاحات و تعبیرات را در قوانین و پس از آن در مقررات عمده و نیز نمونه‌های قابل اعتنا از اسناد و مدارک دیگر می‌توان یافت، مجموعه متونی که در میدان بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند به شرح زیر خواهد بود:

۴-۱ کلیه قوانین ادواری مجلس شورای ملی و نیز قوانین مصوب شورای انقلاب و همچنین قوانین مصوب دوره‌های شش‌گانه مجلس شورای اسلامی؛

۴-۲ نظریات شورای نگهبان؛

۴-۳ مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

۴-۴ مصوبات هیئتهای دولت در تمامی ادوار قبل و بعد از پیروزی انقلاب (در این بخش، پس از بررسی، ممکن است روشهایی برای نمونه‌گیری و انتخاب میان مصوبات یافت شود و به‌خصوص روشهایی برای کنار نهادن برخی از آنها مثلاً مصوبات مربوط به انتصابها یا اختصاص اعتبارات و امثالشان اندیشیده شود)؛

۴-۵ نمونه‌هایی از آراء دیوان عالی کشور (برخی از آراء قبل از ۱۳۲۰ و آراء سالهای ۱۳۳۰ به بعد، به‌ویژه آرائی که در مجموعه‌های آرشیو کیهان به چاپ رسیده است)؛

۴-۶ نمونه‌هایی از آراء دیوان عدالت اداری، به‌ویژه آراء هیئت عمومی؛

۴-۷ برخی از بخشنامه‌های عمده اداری وزارتخانه‌ها؛ نظیر کشور، نیرو، کار، بازرگانی، اقتصاد و دارایی و نیز سازمانهایی چون گمرک و ثبت احوال و ثبت

اسناد و بانک مرکزی؛

۴-۸ نمونه‌هایی از اسناد محاضر؛

۴-۸-۱ ازدواج و طلاق، قبل از استقرار دفترخانه‌ها (محاضر شرعی) و پس از استقرار

دفترخانه‌های ازدواج و طلاق؛

۴-۸-۲ اسناد رسمی قبل از استقرار دفترخانه رسمی و پس از استقرار آنها؛

۴-۹ نوشته‌های مهم حقوقی: کتابها و مقالات، از جمله کتابهای رشته‌های متعدد

حقوق، تألیف استادان دانشکده‌های حقوق ایران.

۵ روش بررسی

۵-۱ مجموعه متون بازخوانی می‌شوند و، پس از تعیین و انتخاب واژه‌های حقوقی،

واحد‌های واژگانی علامت‌گذاری و سپس استخراج می‌شوند.

۵-۲ باید سعی شود که، به جای ماشین‌نویسی، برای ثبت واژه و شاهد‌های آن یکسره

از رایانه استفاده شود و، اگر این کار ممکن نشد، باید، پس از نوشتن مطلب بر

روی برگه، بلافاصله آن را به رایانه انتقال داد.

۵-۳ واژه‌های انتخاب‌شده را باید از همه متون استخراج کرد.

۵-۴ در خصوص یادداشت مواردی که واژه تکرار می‌شود، باید تصمیم گرفت که آیا

می‌خواهیم بسامد را هم به حساب بیاوریم یا نه. چنانچه بسامد واژه‌ها نیز مورد

نظر باشد، در هر متن و در همه متون باید به ضبط واحد واژگانی، هر چند بار که

تکرار شده باشد، پرداخت. در غیر این صورت، از هر متن بین سه تا شش مورد و

احتمالاً با بافت‌های متنوع ثبت خواهد شد.

۵-۵ انواع متون، از قبیل قانون، مقررات (مصوبات دولت)، آیین‌نامه‌های وزارتخانه‌ها،

و تمامی یا نمونه‌هایی از هر یک باید به دقت تعیین شود و واژه‌های هر یک از

انواع متون جداگانه دسته‌بندی گردد.

۵-۶ پس از آماده شدن واژگان و دسته‌بندی آنها، باید بررسی کرد که آیا برای هر یک

از انواع متون باید وزن و ارزش خاصی تعیین کرد و یا برای همه متون وزن و

ارزش یکسان قایل شد.

۵-۷ هر واژه با توجه به شاهد‌های آن و نیز مراجعه به منابع دیگر (فرهنگ‌های حقوقی،

- فرهنگهای زبان عمومی و کتابهای حقوقی) تعریف خواهد شد.
- ۵-۸ در مورد هر واژه، در حدّ مقدور، به مطالب زیر اشاره خواهد شد:
- ۵-۸-۱ مدخل؛
 - ۵-۸-۲ ریشه‌شناسی؛
 - ۵-۸-۳ وجه دستوری واحد واژگانی؛
 - ۵-۸-۴ دسته‌بندی معانی و یادآوری اینکه واژه به کدام رشته حقوقی (مدنی، اداری، تجارت، ...) متعلق است؛
 - ۵-۸-۵ معنی یا معانی اصلی که با شماره از یکدیگر جدا می‌شوند؛
 - ۵-۸-۶ معانی فرعی؛
 - ۵-۸-۷ در متن تعریف، بیشتر مثالها و ارجاعات نخست از قانون و سپس از مقررات و گه‌گاه نیز از رویه قضایی و کتابهای حقوقی و اختلاف جزئی در معانی، به ترتیب اهمیت یا ارتباط با معانی اصلی و فرعی، ذکر خواهد شد.
 - ۵-۸-۸ چنانچه معانی واژه قبل و بعد از محدوده زمانی تحقیق تغییر کرده باشد، این تغییر، در پایان تعریف، با ذکر شاهد و مثال، ذکر خواهد شد. این عنوان را می‌توان بخش تاریخی نامید.
 - ۵-۸-۹ کلمات قصاری که، در طول تاریخ حقوق ایران، به بیان حکم یا تأسیس حقوقی پرداخته‌اند و در قوانین کنونی نیز از آنها استفاده شده است ذیل تعریفهای مربوط خواهند آمد.

۶ سازمان تحقیقی و اجرای طرح

- ۶-۱ باید سعی شود که تشکیلات طرح، تا آنجا که ممکن باشد، محدود گردد. سازمان تحقیقی طرح مرکب خواهد بود از:
- مجری یا مدیر طرح؛
 - یک و حداکثر دو تن کارشناس مسئول شناسائی منابع و مآخذ؛
 - عده‌ای پژوهشگر که در علامت‌گذاری و تعیین جمله شاهد و مراحل بعد یعنی جستجوی منابع و تعریف واژه‌ها با مجری طرح همکاری خواهند داشت؛
 - عده‌ای کارشناس که مسئولیت برگه‌نویسی و نیز انتقال مستقیم یا از روی برگه

داده‌ها در رایانه را به عهده خواهند گرفت؛
- یک یا چند تن پژوهشگر و کارشناس رایانه؛
- ماشین‌نویس رایانه‌ای.

۶-۲ سازمان اجرایی طرح مرکب از یک یا دو تن خواهد بود. این گروه مسئولیت تهیه وسایل و ابزار و تجهیزات و ملزومات و مدیریت داخلی اجرای طرح را به عهده خواهد داشت.

تهران - یکشنبه ۸۰/۹/۱۸

